

تحلیل و مقایسه نظریه انقلاب نسبت با مسأله شاهد جمع*

□ بلال شاکری**

□ محمدتقی فخلعی***

چکیده

پژوهش حاضر به تحلیل و مقایسه دو اصطلاح انقلاب نسبت و شاهد جمع در کلمات دانشوران اصولی پرداخته است. دو اصطلاحی که برخی ادعای تفاوت بین آنها کرده‌اند و با انکار نظریه انقلاب نسبت، پذیرش شاهد جمع را در جمع بین ادله متعارض متعدد مطرح کرده‌اند. اما با تبیین ماهیت این دو اصطلاح و تحلیل ویژگی‌های مطرح شده برای آنها شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین این دو شناسایی شد. اما تحلیل دقیق تفاوت‌ها نشان می‌دهد، تفاوت‌های بیان شده، موجب نمی‌شود ایندو را به لحاظ ماهیتی متفاوت دانست و قائل در علم اصول دو اصطلاح مغایر داریم. بلکه ماهیت این دو یکسان بوده و عملاً شاهد جمع از مصادیق نظریه انقلاب نسبت است که در صورت‌های مطرح ذیل نظریه انقلاب نسبت، صورت‌هایی که منطبق بر مسأله شاهد جمع است مورد پذیرش اکثریت قرار گرفته است و نامی جدید برای آن نهاده‌اند. کلیدواژه‌ها: انقلاب نسبت، شاهد جمع، صور انقلاب نسبت.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۴/۳۰ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۸/۲۰.

** استاد سطوح عالی حوزه علمیه مشهد (b.shakeri@iran.ir).

*** دکتری دانشکده هیات دانشگاه فردوسی (fakhlai@um.ac.ir).

مقدمه

نظریه‌ها همیشه نقش مهمی در علوم مختلف داشته‌اند چون مسائل و ریزموضوعات مختلف یک علم را به صورت یک مجموعه به هم پیوسته تبیین کرده و ارتباط آنها را با یکدیگر نشان داده و به حل مسائل علم کمک می‌کنند.

علم اصول فقه نیز همچون دیگر علوم دارای مسائل بسیاری است که در طول تاریخ علم با کشف ارتباط‌های مختلف مسائل آن از سوی دانشیان اصول، نظریه‌های مختلفی همچون نظریه حکم، نظریه حجیت و اعتبار، نظریه حق الطاعه و نظریه مقاصد در آن مطرح شده است. از جمله این نظریه‌ها، نظریه انقلاب نسبت است.

انقلاب نسبت از جمله نظریه‌های چالش‌برانگیز سده‌های اخیر در علم اصول فقه است که از سوی برخی دانشیان اصولی مطرح شده است. پس از طرح این نظریه، و با توجه به تأثیرهای فراوان آن در مباحث فقهی و چگونگی جمع‌بندی بین سه دلیل متعارض و بیشتر، می‌توان گفت توجه تمامی اصولیان به این نظریه معطوف شده و در مباحث تعادل و تراجیح اصول به بررسی و نقد آن پرداخته‌اند. در این راستا برخی بین اقسام مختلفی که انقلاب نسبت در آن قابل تصور است تفصیل داده و در برخی صور انقلاب نسبت را پذیرفته و در برخی موارد آن را نپذیرفته‌اند. اما برخی دیگر از اندیشوران اصولی راه دیگری را پیموده و با طرح اصطلاحی دیگر (شاهد جمع) در عرض انقلاب نسبت، سعی در تفاوت‌گذاری میان این آن دو داشته‌اند. در حقیقت ایشان با انکار نظریه انقلاب نسبت، قائل به پذیرش شاهد جمع به عنوان یک راه‌حل برای رفع تعارض بین ادله متعدد شده‌اند.

هدف و غایت پژوهش حاضر تحلیل و مقایسه نظریه انقلاب نسبت با مسأله شاهد جمع است تا با بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های مطرح بین این دو، مشخص کند آیا اختراع این اصلاح در عرض انقلاب نسبت با نظریه انقلاب نسبت تفاوت ماهوی داشته و به لحاظ جمع بین ادله متعارض با یکدیگر متفاوتند یا بازگشت مسأله شاهد جمع به نظریه انقلاب نسبت بوده و پذیرش چنین مواردی در حقیقت همان تفصیل در صورت‌های مطرح ذیل نظریه

انقلاب نسبت است.

با بررسی‌های صورت گرفته توسط نگارندگان می‌توان ادعا کرد نسبت به این مسأله هیچ‌گونه پژوهشی به انجام نرسیده است و نه تنها تفاوت این دو اصطلاح با یکدیگر مقایسه نشده است، بلکه نسبت به چیستی و ماهیت آنها نیز تبیین دقیقی وجود ندارد. بنابراین نوآوری اثر حاضر در دو نکته ذیل است:

۱. تبیین ماهیت شاهد جمع در عرض نظریه انقلاب نسبت؛

۲. تبیین تفاوت‌ها و تشابه‌های این دو؛

فرضیه تحقیق بر این است که دیدگاه مطرح شده، تفاوت ماهوی با نظریه انقلاب نسبت نداشته و ماهیتاً همان نظریه انقلاب نسبت و به تعبیری دقیق‌تر، بخشی از آن است. لذا پذیرش چنین مواردی به معنای پذیرش نظریه انقلاب نسبت حداقل در برخی موارد است.

ماهیت نظریه انقلاب نسبت

بیشتر اندیشوران اصولی نظریه انقلاب نسبت را تعریف نکرده‌اند،^۱ بلکه به تبیین و توضیح آن در ضمن مثال اکتفا کرده‌اند. با مراجعه به منابع مختلف و با توجه به توضیح‌ها و تبیین‌هایی که در ضمن مثال برای این نظریه بیان شده است، (ر.ک: کاظمی خراسانی، ۱۳۷۶: ۴/ ۷۴۰ - ۷۴۷؛ واعظ حسینی بهسودی، ۱۴۲۲: ۴/ ۴۶۴؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷: ۷/ ۲۸۸؛ طباطبایی قمی، ۱۳۷۱: ۳/ ۱۹۷؛ خمینی، ۱۴۱۰: ۲/ ۳۲؛ لجنة تألیف القواعد الفقهية و الأصولية التابعة لمجمع فقه أهل البيت عليه السلام، ۱۴۲۷: ۴۸۷) می‌توان آن را چنین تقریب کرد:

نظریه انقلاب نسبت در جایی مطرح می‌شود که بیش از دو دلیل متعارض با یکدیگر وجود داشته باشد. این ادله ممکن است در نسبت‌سنجی با یکدیگر یکی از نسبت‌های چهارگانه را دارا باشند. مثلاً دلیل «اکرم العلماء» با دلیل «لا تکرّم الفساق» رابطه تباین جزئی (عموم من وجه) دارند. دلیل سوم نیز وجود دارد که «لا تکرّم الفساق من العلماء»، رابطه دلیل سوم با دلیل اول و دوم عموم مطلق است. اگر به وسیله دلیل سوم، دلیل اول تخصیص زده شود، نتیجه می‌شود «اکرم العلماء العدول»؛ رابطه نتیجه به دست آمده با دلیل دوم دیگر

عموم من وجه نیست، بلکه این رابطه به تباین تغییر می‌یابد. این تغییر رابطه دلیل اول با دلیل دوم از عموم من وجه به عموم مطلق را انقلاب نسبت گویند. چون نسبت دو دلیل با لحاظ دلیل سوم تبدل و تغییر یافت و منقلب شد. اما اگر این نسبت‌سنجی بدین صورت متغیر لحاظ نشود و همان نسبت ابتدایی بین ادله سنجدیه شود، نتیجه متفاوت خواهد بود، چون موجب تعارض بین دلیل اول و دوم شده که باید قائل به ترجیح یا تساقط و دیگر اقوال مطرح درباره ادله متعارض شد.

با توجه به توضیح فوق باید گفت، در واقع سخن در این است که در تعارض بین ادله متعدد کدام راه را باید در پیش گرفت؟ آیا باید به نسبت‌سنجی میان دو دلیل پرداخت و نتیجه به دست آمده را با سایر ادله سنجدیه؛ هر چند نسبت آنها با یکدیگر در ملاحظه با نسبت اولیه تغییر کرده باشد؟ به تعبیری باید نظریه انقلاب نسبت را پذیرفت و در تعارض ادله متعدده آنرا جاری دانست؟ یا آنچه مهم است همان نسبت ابتدایی میان ادله متعارضه است و باید بر اساس همان نسبت ابتدایی به داوری و جریان قواعد میان آنها پرداخت؟ به تعبیر سوم، سخن در این است که در نسبت‌سنجی میان ادله متعارض باید به مدلول ادله، صرف نظر از قرائن توجه کرد؛ یا پس از اعمال قرائن در مدلول ادله باید رابطه آنها را سنجدیه؟^۲

ماهیت شاهد جمع

شاهد جمع از جمله اصطلاحاتی است که در دوره معاصر در عرض نظریه انقلاب نسبت و به عنوان رقیبی برای آن مطرح شده است. در واقع شاهد جمع نیز نوعی برخورد با ادله متعارض چندگانه است که پذیرش آن نیز محل اختلاف واقع شده است.^۳ با توجه به شباهت‌های بسیار این روش برخورد با ادله متعارضه، با نظریه انقلاب نسبت، لازم است به تبیین این نظر و بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با نظریه انقلاب نسبت پرداخت.

چنانچه از نام شاهد جمع پیداست، مراد از آن وجود شاهد بر جمع بین ادله متعارض است. اما مراد هر نوع جمعی نیست، بلکه شاهد جمع، یکی از قواعد متفرع بر قاعده جمع عرفی و از مصادیق آن است. بنابراین نوعی جمع خاص مد نظر است. (ر.ک: لجنة تألیف

القواعد الفقهية و الأصولية التابعة لمجمع فقه أهل البيت عليه السلام، ۱۴۲۷: ۴۷۰) با توجه به تعریف ارائه شده و تصریح به این که شاهد جمع، از مصادیق جمع عرفی است، مشخص می‌شود شاهد جمع یکی از اقسامی است که ذیل جمع عرفی برمی‌شمارند که جمع عرفی یا به گونه‌ای است که عرف حمل دو دلیل بر یکدیگر را می‌پسندد و می‌پذیرد مانند حمل ظاهر بر نص یا اظهر، تخصیص، تقیید و...؛ یا به گونه‌ای است که اگر چه عرف خود مستقلاً چنین جمعی را درک نمی‌کند، اما قرینه و دلیل سومی وجود دارد که از طریق معصوم (ع) نسبت به جمع بین دو دلیل متعارض و تبیین مراد از آنها صادر شده است.^۴

البته مسأله شاهد جمع نیز همچون نظریه انقلاب نسبت، تعریف دقیقی نسبت به آن ارائه نشده است. بلکه عمدتاً در ضمن مثال به تبیین و توضیح آن پرداخته‌اند. این نوع تبیین موجب شده است در قالب نمونه‌های مختلف این مسأله تبیین شود. برخی در توضیح و تبیین این قاعده چنین گفته‌اند:

هر گاه دو دلیل عام یا مطلق متعارض وجود داشته باشد و دلیل سومی دال بر تفصیل وارد شود که موجب تخصیص یا تقیید هر دو دلیل باشد، هریک از دو دلیل متعارض بر غیرمورد دیگری حمل شده و بدین وسیله تعارض بین آنها مرتفع می‌شود. در واقع دلیل سوم، شاهدی بر جمع بین دو دلیل عام یا مطلق است. (همان: ۴۷۰) صورت مسأله تطبیق شده در کلام عده‌ای دیگر به عنوان بخشی از مثال شاهد جمع مطرح شده است. ایشان مسأله شاهد جمع را در مواردی مطرح می‌کنند که دو دلیل عام متعارض دارای دو مخصص باشند. البته از نظر ایشان وجود دو مخصص به معنای وجود خارجی دو دلیل خاص مستقل نیست. بلکه ممکن است یک دلیل خاص وجود داشته باشد که به لحاظ منطوقی و مفهومی در حکم دو مخصص برای دو عام باشد. ایشان در تبیین مسأله چنین گفته است:

شاهد جمع در جایی مطرح است که دو دلیل عام متعارض و متباین مانند «یجب اکرام العالم» و «لایجب اکرام العالم» وجود دارد؛ اما نسبت به هر دو دلیل عام، مخصصی وجود دارد که با تخصیص دو دلیل عام به وسیله این دو مخصص تعارض بین آنها مرتفع می‌شود. حال ممکن است دو مخصص از یک خطاب مانند

«إن كان العالم عادلاً فيجب اكرامه» به صورت مفهوم و منطوق استفاده شود. منطوق این خطاب «لایجب اكرام العالم» را تخصیص می‌زند و مفهومش خطاب «یجب اكرام العالم» را تخصیص می‌زند. گاهی نیز دو مخصص در دو خطاب مستقل «اكرم العالم العادل» و «لا تكرم العالم الفاسق» بیان شده‌اند. (شهیدی‌پور، درس خارج اصول، ۹۷/۱۱/۰۳)

با توجه به توضیح بیان شده و مثال‌های ذکر شده، می‌توان گفت، مراد از شاهد جمع جایی است که بر جمع عرفی بین ادله متعارض شواهد بیرونی وجود دارد. لذا تنها در مواردی که ظهوری از نظر عرف وجود داشته باشد می‌توان آن را پذیرفت، مانند مثالی که در تبیین شاهد جمع مطرح شد. اما اگر مثلاً دو دلیل خاص با لفظ «احب» و «اكره» آمده باشد، دیگر نمی‌توان این دو دلیل خاص را شاهد جمع بر این گرفت که تنها اكرام عادل واجب است و اكرام فاسق حرام، چراکه این شاهدهای بیرونی، ظهوری نسبت به وجوب و حرمت ندارند. (شهیدی‌پور، درس خارج اصول، ۹۷/۱۱/۰۳)

تشابه‌ها و تفاوت‌های نظریه انقلاب نسبت و شاهد جمع

با توجه به مطالب بیان شده، مشخص می‌شود بین این دو مسأله شباهتی وجود دارد که ممکن است موجب شود، یکسان انگاشته شوند. اما قائلین به تفاوت بین نظریه انقلاب نسبت با شاهد جمع، تفاوت‌هایی را به صراحت یا در ضمن تبیین این دو اصطلاح بیان کرده‌اند. در ادامه پس از بیان وجه شباهت و تمایز این دو نوع روش حل تعارض، به بررسی این نکته پرداخته می‌شود که آیا تمایز ماهوی بین آنها وجود دارد یا خیر؟ به تعبیری آیا در حل تعارض ادله متعارض متعدد دو راه حل و روش وجود دارد یا هر دو به یک روش حل تعارض بازگشت داشته و در حقیقت شاهد جمع بخشی از نظریه انقلاب نسبت است؟

تشابه‌ها

با توجه به تبیین‌های صورت گرفته از نظریه انقلاب نسبت و مسأله شاهد جمع، می‌توان مواردی را به عنوان وجه شباهت ایندو برشمرد:

۱. شباهت در موضوع

با دقت در مثال‌های مطرح شده یا تعاریف ارائه شده برای نظریه انقلاب نسبت و مسأله شاهد جمع مشخص می‌شود موضوع این دو یکسان است. چون موضوع انقلاب نسبت و شاهد جمع، تعارض بیش از دو دلیل است و هر دو روش جمع تنها در مواردی جاری و مطرح می‌شود که بیش از دو دلیل متعارض وجود داشته باشد. بنابراین اگر تنها دو دلیل متعارض در مسأله‌ای وجود داشته باشد، نوبت به جریان روش حل تعارض بر اساس نظریه انقلاب نسبت یا مسأله شاهد جمع نخواهد رسید.

۲. شباهت در جایگاه

دومین شباهت بین نظریه انقلاب نسبت و مسأله شاهد جمع، جایگاه این دو در حل تعارض ادله متعدد است. چون جایگاه این دو نظریه و مسأله در بین قواعد باب تعارض، ذیل مبحث جمع عرفی است. چنانچه در تبیین نظریه انقلاب نسبت بر اساس دیدگاه مشهور مطرح است، انقلاب نسبت یکی از مصادیق جمع عرفی است. (ر.ک: انصاری، ۱۴۲۸: ۴/۱۰۲؛ خراسانی، ۱۴۰۹: ۴۵۱؛ حائری یزدی، ۱۴۱۸: ۶۸۲؛ عراقی، ۱۴۲۰: ۲/۴۸۲؛ خوبی، ۱۳۵۲: ۲/۵۱۸؛ کاظمی خراسانی، ۱۳۷۶: ۴/۷۴۰؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹: ۴/۳۷۴؛ حکیم، ۱۴۱۳: ۷/۳۴۸) چنانچه به تصریح قائلین به روش حل تعارض بر اساس مسأله شاهد جمع، نیز نوعی جمع عرفی و از مصادیق آن است. (ر.ک: لجنة تالیف القواعد الفقهية و الأصولية التابعة لمجمع فقه اهل البيت عليه السلام، ۱۴۲۷: ۴۷۰؛ شهیدی پور، درس خارج اصول، ۹۷/۱۱/۰۳)

تفاوت‌ها

با توجه به وجود شباهت بین نظریه انقلاب نسبت و مسأله شاهد جمع، ممکن است ایندو را یکسان دانست. اما برای جلوگیری از یکسان انگاری آنها، قائلین به تفاوت بین نظریه انقلاب نسبت و شاهد جمع نکاتی مطرح کرده‌اند که بر اساس آن می‌توان به وجوه تفاوتی بین انقلاب نسبت و شاهد جمع دست یافت:

۱. تفاوت بین نظریه و نظر

چنانچه دوگانه نظریه انقلاب نسبت و شاهد جمع مورد پذیرش قرار گیرد،^۵ تفاوت اصلی و ماهوی بین انقلاب نسبت و شاهد جمع، در این است که شاهد جمع به عنوان یک نظر و دیدگاه در حل تعارض بین ادله متعارض متعدد مطرح است، اما انقلاب نسبت نظریه‌ای است در حل تعارض بین ادله متعارض متعدد. چون ویژگی‌های یک نظریه را داراست، چنانچه از سوی برخی اندیشوران اصولی نیز بدان نظریه اطلاق شده است. (هاشمی شاهرودی، بحوث فی علم الأصول، ۱۴۱۷، ۷: ۲۸۸) اما شاهد جمع از سوی طرف‌داران آن نیز به عنوان یک نظریه علمی مطرح نشده است علاوه بر این که ویژگی‌های نظریه علمی را نیز دارا نیست. بنابراین همان تفاوت‌های مطرح شده بین نظر و نظریه بین این دو اصطلاح وجود دارد.^۶

۲. تفاوت در اطراف و تعداد رابطه

هرچند بیان شد یکی از شباهت‌های نظریه انقلاب نسبت و مسأله شاهد جمع، شباهت در موضوع است و موضوع هر دو تعارض بین ادله متعدد (بیش از دو دلیل) است. اما بر اساس گفته‌های دانشیان اصولی و دقت در موضوع آن دو، مشخص می‌شود تفاوتی جزئی در موضوع نیز بین آنها وجود دارد. چون با دقت در کلمات اصولیان مشخص می‌شود بر اساس اطراف رابطه و تعداد ادله متعارض ایندو یکسان نیستند.

نظریه انقلاب نسبت، مطلقاً به بررسی رابطه بیش از دو دلیل متعارض (سه دلیل متعارض و بیشتر) می‌پردازد. ولی شاهد جمع در جایی مطرح است که چهار دلیل متعارض وجود داشته باشد و شامل تعارض سه دلیل نمی‌شود. البته ممکن است در برخی موارد به لحاظ ظاهر با سه دلیل مواجه باشیم، اما با تبیین صورت گرفته مشخص می‌شود در واقع با چهار رابطه و دلیل مواجه هستیم.

بنابر تفاوت ذکر شده مشخص می‌شود رابطه بین نظریه انقلاب نسبت و شاهد جمع به لحاظ موضوع، رابطه عموم مطلق است و نظریه انقلاب نسبت شامل صورت تعارض بین

چهار دلیل که موضوع شاهد جمع است نیز می‌شود، اما شاهد جمع شامل تعارض بین سه دلیل که محل جریان نظریه انقلاب نسبت است، نمی‌شود.

۳. تفاوت در محدوده جریان به لحاظ نوع رابطه ادله

ادله متعارض متعدد ممکن است دارای روابط مختلفی به لحاظ منطقی باشند. مثلاً ممکن است بین ادله رابطه عموم مطلق، عموم من وجه و تباین باشد که به توجه به تعداد اطراف تعارض ممکن است این روابط بین هریک از دو دلیل متفاوت باشد. به همین دلیل صور متفاوتی در سنجش این رابطه‌ها قابل تصویر است.

نظریه انقلاب نسبت با توجه به دایره شمولی که دارد و چنانچه بیان شد به صورت مطلق شامل تعارض بیش از سه دلیل می‌شود، تمام صور احتمالی در این رابطه‌ها را شامل می‌شود. به همین دلیل دانشوران اصولی ذیل نظریه انقلاب نسبت صورت‌های مختلفی را بیان کرده‌اند.^۷

اما با توجه به تبیین صورت گرفته از مسأله شاهد جمع، این قاعده تنها در برخی صورت‌های مطرح ذیل نظریه انقلاب نسبت قابلیت جریان دارد. زیرا از نظر قائلین به شاهد جمع، این قاعده در صورتی جاری است که دو دلیل عام متعارض (متباین) و دو دلیل خاص وجود داشته باشد و هریک از دو دلیل عام با یک دلیل خاص تخصیص خورده و تعارض آنها بر طرف می‌شود.

این تفاوت در محدوده جریان به لحاظ نوع رابطه نیز همچون تفاوت قبل نشان می‌دهد رابطه نظریه انقلاب نسبت با شاهد جمع رابطه عموم مطلق است و دایره جریان نظریه انقلاب نسبت وسیع‌تر از شاهد جمع بوده و شامل موارد جریان شاهد جمع نیز می‌شود.

۴. تفاوت در مقبولیت و عدم مقبولیت

از دیگر مواردی که ممکن است به عنوان تفاوتی بین این دو اصطلاح بیان کرد، تفاوت در مقبولیت و عدم مقبولیت است. با مراجعه به دیدگاه‌های مختلف مطرح شده درباره نظریه

انقلاب نسبت با نظریه‌های متفاوتی مواجه می‌شویم، به گونه‌ای که حتی نسبت دادن یک دیدگاه به مشهور را با مشکل مواجه می‌کند.^۸ درحالی‌که نسبت به پذیرش مسأله شاهد جمع ادعای اجماع نیز شده است. یا حداقل می‌توان پذیرش آن را به مشهور نسبت داد.^۹ ممکن است این تفاوت نیز به لحاظ همان رابطه عموم مطلق بین نظریه انقلاب نسب و مسأله شاهد جمع باشد، که در برخی صور انقلاب نسبت، سنجش رابطه ادله متعارض و تأثیرگذاری نتیجه یک سنجش در نوع رابطه‌ها مورد پذیرش مشهور یا اجماع باشد که این صور منطبق بر همان موارد تطبیق مسأله شاهد جمع است.

۵. تفاوت در جایگاه

هرچند بیان شد بر اساس دیدگاه رایج و مشهور جایگاه طرح هر دو مسأله، جمع عرفی است. اما باید توجه داشت که اولاً در این زمینه مخالفینی نیز وجود دارد و برخی انقلاب نسبت را از مصادیق جمع عرفی نمی‌دانند. (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷: ۷/ ۲۸۸؛ حسینی، ۱۴۱۵: ۴۲) بر اساس این دیدگاه جایگاه طرح این دو مسأله دیگر نقطه شباهت آنها نبوده بلکه نقطه تمایز آنهاست. ثانیاً در جای خود به اثبات رسیده که رابطه انقلاب نسبت و جمع عرفی رابطه تساوی یا عموم مطلق که انقلاب نسبت مصداقی از جمع عرفی باشد، نیست، بلکه رابطه آنها عموم من وجه است. یعنی گاه انقلاب نسبت منتهی به جمع عرفی بین ادله شده و تعارض مستقر را تبدیل به غیرمستقر می‌کند؛ گاه بر عکس، موارد تعارض را از جمع عرفی خارج کرده و رابطه را به تعارض مستقر تبدیل می‌کند (ر.ک: شاکری، فخلعی و حائری، ۱۳۹۹: ۲۴/ ۵۴-۵۸)^{۱۰} ظاهراً قائلین به شاهد جمع برخی موارد و مصادیق جریان نظریه انقلاب نسبت را که منتهی به جمع عرفی بین ادله می‌شود را نام دیگری بر آن نهاده و قائل به تمایز و تفاوت آن با نظریه انقلاب نسبت شده‌اند.

دیدگاه مختار

به نظر می‌رسد ادعای دوگانه نظریه انقلاب نسبت و شاهد جمع، ادعای ناتمامی است و بر

اساس تفاوت‌های بیان شده بین این دو، باید گفت نظریه انقلاب نسبت و شاهد جمع، ماهیت یکسان داشته و در حقیقت شاهد جمع مصداقی از مصادیق مطرح ذیل نظریه انقلاب نسبت است.

در توضیح و اثبات ادعای یکسان‌انگاری نظریه انقلاب نسبت و شاهد جمع بر اساس تفاوت‌های ادعایی می‌توان گفت:

چنانچه بیان شد براساس تفاوت‌های مطرح شده (به جز تفاوت اول که بر فرض پذیرش دوگانه انقلاب نسبت و شاهد جمع مطرح می‌شود و بر اساس دیدگاه مورد پذیرش نگارندگان دیگر موضوعیت ندارد) رابطه نظریه انقلاب نسبت و شاهد جمع، عموم و خصوص مطلق است؛ و خاص تفاوت ماهوی با عام نداشته بلکه فردی از افراد آن محسوب می‌شود.

همان‌طور که در تفاوت دوم گذشت، نظریه انقلاب نسبت شامل موارد تعارض بیش از سه دلیل نیز می‌شود. اما شاهد جمع شامل تعارض بین سه دلیل نمی‌شود. در نتیجه باید گفت، شاهد جمع مصداق و صورتی از صور مطرح ذیل نظریه انقلاب نسبت است و تفاوت ماهوی بین این دو وجود نخواهد داشت.

شاهد بر مدعای فوق این‌که، از جمله صور مطرح شده برای نظریه انقلاب نسبت در کلمات اصولیان، همان صوری است که قائلین به شاهد جمع بین کرده‌اند. (ر.ک: طباطبایی حکیم، ۱۴۱۴: ۱۰۲/۶؛ همو، ۱۴۲۸: ۵۵۲/۲) بلکه در تعابیر ایشان نیز این مسأله به صراحت بیان شده است که در مواجهه با دو دلیل عام متعارض که دو خاص وجود دارد، انقلاب نسبت رخ می‌دهد، بلکه چه بسا شاهد جمع باشد. (شهیدی‌پور، درس خارج اصول، جلسه ۶۱ چهارشنبه ۹۹/۰۹/۲۶)

بنابراین انکار نظریه انقلاب نسبت از سوی قائلین به شاهد جمع، قول به تفصیل در مسأله انقلاب نسبت است؛ یعنی ایشان نیز برخی صور را پذیرفته و برخی را نپذیرفته‌اند. تنها تفاوت این است که قائلین به شاهد جمع، برای صور مورد پذیرش، نامی جدید ابداع کرده‌اند.

در تفاوت سوم نیز به خوبی رابطه عموم و خصوص مطلق بین نظریه انقلاب نسبت و شاهد جمع، مشاهده می‌شود؛ چون صورت‌های مطرح ذیل نظریه انقلاب نسبت شامل صورت مسأله شاهد جمع نیز می‌شود.

مقبولیت و عدم مقبولیت یکی از دو مسأله نیز، نمی‌تواند موجب فرق حقیقی بین ایندو باشد؛ چون با بررسی صور مطرح ذیل انقلاب نسبت، مشخص می‌شود برخی موارد آن مورد اتفاق همگان است و برخی محل اختلاف. علاوه بر این که در صور مطرح شده تحت عنوان شاهد جمع نیز مسأله اجماعی نیست و مخالفینی هر چند اندک وجود دارد. چنانچه در کلمات برخی معاصرین چنانچه اشاره شد، مسأله شاهد جمع نیز مورد انکار قرار گرفته بود. به هر حال تفاوت مذکور نیز عملاً تفاوت بین صورتهای نظریه انقلاب نسبت است نه فرقی ماهوی بین این دو، که منتهی به تفکیک بین آنها و ادعای وجود دو مسأله در علم اصول شود.

نتیجه

با بررسی‌های صورت گرفته این نتیجه به دست می‌آید:

هرچند تفاوت‌هایی بین شاهد جمع و نظریه انقلاب نسبت وجود دارد، اما این تفاوت‌ها موجب نمی‌شود شاهد جمع دیدگاهی مستقل از نظریه انقلاب نسبت محسوب شود. بلکه برخی مصادیق و صورتهای مطرح ذیل نظریه انقلاب نسبت که تقریباً مورد پذیرش اکثریت واقع شده است را با عنوان شاهد جمع به صورت مستقل مطرح کرده‌اند. اما تفاوت ماهوی بین شاهد جمع و انقلاب نسبت نیست. بلکه رابطه ایندو عموم و خصوص مطلق است چراکه نظریه انقلاب نسبت دارای صورتهای متعددی است که موارد جریان شاهد جمع بخشی از این موارد است. بنابراین پذیرش شاهد جمع و انکار نظریه انقلاب نسبت، در واقع همان دیدگاه تفصیلی درباره انقلاب نسبت است که برخی بزرگان اصولی بر اساس صور مسأله قائل به تفصیل شده و در برخی صور انقلاب نسبت را پذیرفته و در برخی دیگر انکار کرده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

.....

۱. برخی معاصران در مقام تعریف این اصطلاح برآمده، چنین گفته‌اند: «انقلاب نسبت عبارت است از تبدل نسبت ادله متعارضه پس از ملاحظه نسبت یکی از دو دلیل با دلیل سوم، پس از ملاحظه نسبت دو دلیل اول، که این نسبت با نسبت بین ادله سه‌گانه در عرض واحد متفاوت است»؛ (صنقور، ۱۴۲۸: ۱/۳۸۲) برخی دیگر در تعریف انقلاب نسبت گفته‌اند: «مقصود از انقلاب نسبت جایی است که دلیل مخصصی نسبت به یکی از دو دلیل متعارض وارد شود که اگر رابطه ادله متعارض پس از اعمال تخصیص ملاحظه شود، تعارض مستقر آنها تبدیل به تعارض غیرمستقر می‌شود.» (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷: ۷/۲۸۸؛ حسینی، ۱۴۱۵: ۴۲) اما دو تعریف ارائه شده به نظر تعاریف دقیقی نیستند، خصوصاً تعریف دوم که بسیار ناقص است. زیرا این تعریف تنها بر اساس یکی از صور مطرح در تطبیقات انقلاب نسبت صورت گرفته است. درحالی‌که انقلاب نسبت دارای صور متعددی است که در جای خود به تفصیل بیان شده است. همچنین تعریف مذکور تنها فرضی را شامل می‌شود که تعارض مستقر تبدیل به غیرمستقر می‌شود. درحالی‌که انقلاب نسبت گاه تعارض غیرمستقر را تبدیل به مستقر کرده و گاه هیچ تغییری در نسبت‌ها ایجاد نمی‌کند. تعریف اول نیز بر اساس برداشت رایج از انقلاب نسبت است. لذا ابتدا باید تقریب‌های متفاوت از انقلاب نسبت تبیین و تحلیل شود، تا اشکال این تعریف نیز مشخص شود. بنابراین پس از تبیین انقلاب نسب، تعریفی از آن ارائه خواهد شد.

۲. آنچه بیان شد، ماهیت انقلاب نسبت بر اساس تبیین رایج و مشهور است. اما تبیین مبدع این نظریه (ملا احمد نراقی) با آنچه در حال حاضر مشهور شده است، متفاوت است. (برای مطالعه بیشتر درباره تبیین نراقی و تفاوت‌های آن با تبیین مشهور و همچنین وجه جمع بین این دو تبیین، ر.ک: شاکری و فخلعی و حائری، ماهیت انقلاب نسبت (نگاهی نو به روش‌شناسی ملا احمد نراقی در حل تعارضات)، ۱۳۹۹، ۲۴: ۳۳-۶۴) در جای خود نیز به نکاتی درباره رابطه مسأله شاهد جمع با انقلاب نسبت بر اساس تبیین مورد پذیرش نگارنده، اشاره خواهد شد.

۳. برخی مدرسین خارج اصول، تصریح دارند که شاهد جمع را همچون انقلاب نسبت نمی‌پذیرند. (شهیدی‌پور، درس خارج اصول، ۹۷/۱۱/۰۳) هرچند ایشان معترفند به این‌که نوعاً شاهد جمع مورد پذیرش قرار گرفته است. (شهیدی‌پور، درس خارج اصول، جلسه ۶۱ چهارشنبه ۹۹/۰۹/۲۶) بلکه وی شاهد جمع را مورد اجماع معرفی کرده و از گفته ابتدایی خود در نفی آن عقب‌نشینی کرده و می‌گوید: چه بسا نتوان به

صورت قطعی آن را رد کرد، اما می توان به عنوان «یمكن ان یقال» مطرح کرد که شاهد جمع، به عنوان جمع عرفی مورد پذیرش نیست. (شهیدی پور، درس خارج اصول، ۹۷/۱۱/۰۳)

۴. به عنوان نمونه درباره جواز و عدم جواز روزه نذر در سفر دو روایت متعارض داریم. در روایتی از مسعدة بن صدقه از امام صادق علیه السلام آمده است که شخصی که روز خاصی را نذر کرده روز بگیرد، اگر در آن روز مسافر باشد، روزه نمی گیرد (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۲ / ۷) اما در روایت ابراهیم بن عبدالحمید از امام رضا علیه السلام آمده است آن روز را در سفر یا حضر باید روزه بگیرد. (همان: ۱۴۱) این دو روایت از حیث نیت داشتن و نداشتن شخص هنگام نذر نسبت به روزه در سفر مطلق هستند و با توجه به تباین کلی بین آنها با یکدیگر تعارض دارند. اما در روایتی از علی بن مهزیار چنین تفصیلی مطرح شده است که اگر نیت روزه در سفر را داشته باید روزه بگیرد و الا روزه نگیرد. (همان: ۲۷۷) این روایت شاهی بر جمع بین دو روایت متعارض است. (لجنة تألیف القواعد الفقهية والأصولية التابعة لمجمع فقه أهل البيت علیهم السلام، ۱۴۲۷: ۴۷۰-۴۷۱)

۵. لازم به ذکر است تفاوت مذکور بر فرض پذیرش اختلاف این دو با یکدیگر است. یعنی اگر پذیرفته شود که مسأله شاهد جمع غیر از نظریه انقلاب نسبت است، می توان چنین تفاوت ماهوی را بین آنها مطرح کرد. اما اگر ثابت شود دوگانه انقلاب نسبت و شاهد جمع مورد پذیرش نیست، دیگر چنین تفاوتی را نمی توان قائل شد.

آنچه در متن به عنوان تفاوت بدان اشاره شده است، در حقیقت بر اساس مطالب قائلین به تفاوت است. اما چنانچه در ادامه خواهد آمد از نظر نگارندگان این دوگانه انگاری مورد پذیرش نیست و نظریه انقلاب نسبت و مسأله شاهد جمع تفاوت ماهوی با یکدیگر نداشته بلکه رابطه آنها عموم مطلق بود و موارد تطبیق قاعده شاهد جمع، بخشی از مصادیق جریان نظریه انقلاب نسبت است که مورد پذیرش گروهی قرار گرفته و بر اساس عدم پذیرش سایر صورت های مطرح ذیل نظریه انقلاب نسبت، توسط این گروه، نامی مستقل برای آن نهاده اند.

۶. برای مطالعه بیشتر درباره نظریه بودن انقلاب نسبت (ر.ک: شاکری، فخلعی و حائری، ۱۴۰۰: ۲۱۷/۲ - ۲۳۴).
 ۷. برای مطالعه بیشتر درباره صورت های مطرح شده درباره نظریه انقلاب نسبت (ر.ک: خمینی، ۱۳۷۵: ۹۳ - ۹۹؛ تقوی اشتهاردی، ۱۴۱۸: ۴ / ۵۰۳ - ۵۱۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹: ۴ / ۳۷۷ - ۳۸۶؛ واعظ حسینی بهسودی، ۱۴۲۲: ۲ / ۴۶۷ - ۴۸۳؛ حکیم، ۱۴۱۳: ۷ / ۳۶۰ - ۳۶۱؛ پاورقی و ۷ / ۳۶۵ - ۳۶۸؛ حائری یزدی، ۱۴۱۸: ۶۸۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷: ۷ / ۲۹۵ - ۳۰۸؛ انصاری، ۱۴۲۸: ۴ / ۱۰۲ - ۱۱۲؛ اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳ / ۴۱۲ - ۴۱۳؛ بروجردی، ۱۴۱۷: ۲ / ۱۶۰ - ۱۶۴؛ خوبی، ۱۳۵۲: ۲ / ۵۱۸ - ۵۲۰؛ کاظمی خرسانی، ۱۳۷۶: ۴ / ۷۴۲ - ۷۴۷؛ کمره ای، بی تا: ۲ / ۲۷۸ - ۲۷۹؛ موسوی زنجانی، ۱۳۰۸: ۱۳۰ - ۱۱۲؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۷: ۹ / ۱۹۱ - ۱۹۶؛ تبریزی، ۱۳۶۹: ۶۱۸ - ۶۲۳؛ آشتیانی، ۱۴۲۹: ۸ / ۲۸۷).

۸. برای مطالعه بیشتر درباره اقوال مطرح شده درباره نظریه انقلاب نسبت (ر.ک: هاشمی شاهرودی،

تحلیل و مقایسه نظریه انقلاب نسبت با مسأله شاهد جمع □ ۶۷

۱۴۳۱: ۴۵۸/۳؛ بجنوردی، ۱۳۷۷: ۲۳/۷؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷: ۲۹۰/۷؛ طباطبایی قمی، ۱۳۷۱: ۱۹۸-۱۹۹؛ مؤمن قمی، ۱۴۱۹: ۵۰۸/۲؛ اسماعیل پور، ۱۳۹۵، ۴: ۴۱۳؛ خراسانی، ۱۴۰۹: ۴۵۲؛ حکیم، ۱۴۱۳: ۳۶۰-۳۶۱/۷؛ پاورقی و ۳۶۵-۳۶۸؛ حائری یزدی، ۱۴۱۸: ۶۸۲؛ بحر العلوم، ۱۴۰۳: ۱۰۰/۳؛ خویی، ۱۳۵۲: ۵۱۹/۲ و ۵۲۲؛ موسوی زنجانی، ۱۳۰۸: ۱۱۴؛ اراکی، ۱۳۷۵: ۴۷۲/۲؛ قدسی، ۱۴۲۸: ۵۱۱/۳؛ تبریزی، ۱۳۸۷: ۱۷۹/۶؛ آشتیانی، ۱۴۲۹: ۲۸۹/۸؛ ایروانی، ۱۴۲۲: ۴۵۴/۲؛ کمره‌ای، بی‌تا: ۲۷۸-۲۷۹؛ صافی، ۱۴۲۸: ۳۳۵-۳۳۷؛ مؤمن قمی، ۱۴۱۹: ۵۱۱/۲؛ فرحی، ۱۳۸۶: ۴۳۱-۴۳۲).

۹. برخی مدرسین خارج اصول، هر چند تصریح دارند که شاهد جمع را همچون انقلاب نسبت نمی‌پذیرند. (شهیدی‌پور، درس خارج اصول، ۹۷/۱۱/۰۳) اما در برخی موارد ایشان شاهد جمع را مورد اجماع معرفی کرده و از گفته ابتدایی خود در نفی آن عقب‌نشینی کرده و می‌گویند: چه بسا نتوان به صورت قطعی آن را رد کرد، اما می‌توان به عنوان «یمكن ان یقال» مطرح کرد که شاهد جمع، به عنوان جمع عرفی مورد پذیرش نیست. (شهیدی‌پور، درس خارج اصول، ۹۷/۱۱/۰۳) و در جای دیگر پذیرش آن را به مشهور نسبت داده و گفته است نوعاً شاهد جمع مورد پذیرش قرار گرفته است. (شهیدی‌پور، درس خارج اصول، جلسه ۶۱ چهارشنبه ۹۹/۰۹/۲۶)

۱۰. در جای خود نیز به نکاتی درباره رابطه مسأله شاهد جمع با انقلاب نسبت بر اساس تبیین مورد پذیرش نگارنده، اشاره خواهد شد.

کتابنامه

- آشتیانی، محمدحسن، بحرالفوائد فی شرح الفرائد، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۹ق.
- اراکى، محمد على، أصول الفقه، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۵.
- اسماعیل پور، محمد علی، مجمع الأفكار و مطرح الأنظار (تقریرات درس آیت الله میرزاهاشم آملی)، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۹۵ق.
- اصفهانى، محمدحسین، نهاية الدراية فی شرح الكفاية، قم، سیدالشهداء (ع)، ۱۳۷۴ق.
- انصاری، مرتضی، فرائد الأصول، قم، مجمع الفكر الإسلامی، ۱۴۲۸ق.
- ایروانی، علی، الأصول فی علم الأصول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ق.
- بجنوردی، حسن، القواعد الفقهية، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۷.
- بحر العلوم، محمد، بلغة الفقيه، تهران، منشورات مكتبة الصادق، ۱۴۰۳ق.
- بروجردی، محمد تقی، نهاية الأفكار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- تبریزی، موسی، أوثق الوسائل فی شرح الرسائل، قم، کتبی نجفی، ۱۳۶۹ق.
- تبریزی، میرزا جواد، دروس فی مسائل علم الأصول، قم، دار الصديقة الشهيدة عليه السلام، ۱۳۸۷.
- تقوی اشتهاردی، حسین، تنقیح الأصول، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۴۱۸ق.
- حائری یزدی، عبدالکریم، درر الفوائد، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۸ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- حسینی شیرازی، صادق، بیان الأصول، قم، دار الانصار، ۱۴۲۷ق.
- حسینی، محمد، معجم المصطلحات الأصولية، بیروت، مؤسسه العارف للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
- حکیم، عبدالصاحب، منتقى الإصول (تقریرات درس آیت الله محمد روحانی)، قم، دفتر آیت الله سید محمد حسین روحانی، ۱۴۱۳ق.
- خراسانی، محمدکاظم، کفاية الأصول، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- خمینی، روح الله، التعادل و التراجیح، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۵.

- _____ الرسائل، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
- خویی، ابوالقاسم، أجود التقریرات (تقریرات درس آیت الله محمدحسین نائینی)، قم، مطبعة العرفان، ۱۳۵۲.
- شاکری، بلال و فخلعی، محمدتقی و حائری، محمدحسن، ماهیت انقلاب نسبت (نگاهی نو به روش شناسی ملا احمد نراقی در حل تعارضات)، پژوهش های اصولی، شماره ۲۴، ۱۳۹۹.
- شاکری، بلال و فخلعی، محمدتقی و حائری، محمدحسن، نگاهی نو به انقلاب نسبت به مثابه نظریه ای اصولی، مطالعات تطبیقی فقه و اصول، سال ۴، شماره ۲، ۱۴۰۰.
- شهیدی پور، محمدتقی، درس خارج اصول، ۹۷/۱۱/۰۳.
- _____ درس خارج اصول، جلسه ۶۱ چهارشنبه ۹۹/۰۹/۲۶.
- صافی، لطف الله، بیان الأصول، قم، دایرة التوجیه و الارشاد الدینی فی مکتب المرجع الدینی آیت الله العظمی الشیخ لطف الله الصافی الگلپایگانی، ۱۴۲۸ق.
- صنقور، محمد، المعجم الأصولی، قم، منشورات الطیار، ۱۴۲۸ق.
- طباطبایی حکیم، محمدسعید، الکافی فی أصول الفقه، بیروت، دار الهلال، ۱۴۲۸ق.
- _____ المحکم فی أصول الفقه، قم، مؤسسة المنار، ۱۴۱۴ق.
- طباطبایی قمی، تقی، آراؤنا فی أصول الفقه، قم، محلاتی، ۱۳۷۱.
- عراقی، ضیاء الدین، مقالات الأصول، قم، مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۲۰ق.
- فرحی، سید علی، تحریر الأصول (تقریرات درس آبت الله میرزاهاشم آملی)، قم، مکتبة الداوری، ۱۳۸۶ق.
- قدسی، احمد، أنوار الأصول، قم، مدرسة الإمام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۸ق.
- کاظمی خراسانی، محمد علی، فوائد الأصول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.
- کمره ای، محمد باقر، أصول الفوائد الغروية فی مسائل علم أصول الفقه الإسلامی، تهران، مطبعة فردوسی، بی تا.
- لجنة تالیف القواعد الفقهية و الأصولية التابعة لمجمع فقه اهل البيت عليه السلام، قواعد أصول الفقه علی مذهب الإمامية، مجمع العالمی لاهل البيت عليه السلام، قم، مرکز الطباعة و النشر، ۱۴۲۷ق.
- موسوی زنجانی، محمد بن ابوالقاسم، إيضاح السبل فی الترجیح و التعادل، تهران، ابوطالب

موسوی، ١٣٠٨ق.

- مؤمن قمی، محمد، تسدید الأصول، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ١٤١٩ق.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ١٣٧٥.
- واعظ حسینی بهسودی، محمدرور، مصباح الأصول (تقریرات درس آیت الله ابوالقاسم خویی)، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ١٤٢٢ق.
- هاشمی شاهرودی، محمود، اضواء و آراء تعلیقات علی کتابنا بحوث فی علم الأصول، قم، مؤسسه دائرة المعارف اسلامی، ١٤٣١ق.
- _____، بحوث فی علم الأصول، قم، مؤسسه دائرة المعارف اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ١٤١٧ق.
- هاشمی شاهرودی، علی، دراسات فی علم الأصول (تقریرات درس آیت الله ابوالقاسم خویی)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ١٤١٩ق.